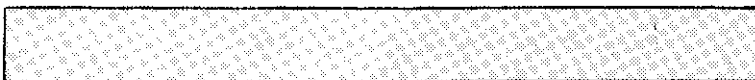


حسابداری

از نظر همکارانش

همکاران هر سازمان و از جمله هر نشریه‌ای به طور معمول دوگونه ارتباط با سازمان یا نشریه‌ای که با آن همکاری می‌کنند دارند. یکی در چارچوب نقش و وظیفه پیشبینی شده و دیگر رابطه‌ای احساسی، عاطفی و حتی آرمانی. البته در شرایط عادی تنها وجه نخستین، یعنی جنبه ایفای نقش پیشبینی شده همکاران در کار بازتاب دارد. ما فرصت انتشار صدمین شماره حسابدار را غنیمت دانستیم تا از همکاران ماهنامه بخوایم که احساسشان را نسبت به همکاری با ماهنامه بنویسند تا با چاپ آن در مجله آگاهی‌هایی نیز درباره همکاران ماهنامه و ارتباط آنان با ماهنامه به خوانندگان ارائه کنیم. آنچه در این بخش می‌خوانید حاصل توجه همکاران گرامی ماهنامه به درخواست ماست.





بیگانه آشنا...

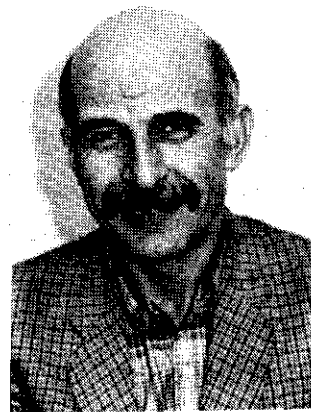
جمشید ارجمند (ویراستار)

منصفانه بگویم، غالباً در گرماگرم کار ویرایش متنها و مقاله‌های مفصل حسابدار این سوال برایم مطرح شده است که آیا حضور من در این ماهنامه در حکم وصله ناهم‌رنگی نیست؟

برای اینکه علت طرح این سوال یا بهتر بگویم این وسوسه درونی روشن شود، باید تمامی سابقه ارتباط و پیوند خودم با مقوله حسابداری را بازگو کنم، شاید در همین خلال نتیجه‌ای عادلانه دستگیر خودم و همکارانم و خوانندگان بشود.

وقتی در کادر شناسنامه مجله‌ای تخصصی، مثلاً در زمینه الکترونیک، کسی به‌عنوان ویراستار معرفی شود، آیا توقع این نیست که آن ویراستار مهندس حرفه باشد، و آیا اگر فقط ویراستار باشد کافی است یا اینکه بهتر است دست‌کم معلومات یک تکنیسین را داشته باشد؟ پاسخ اینها همه مربوط می‌شود به قلمرو ویرایش خاص مجله، سازمان و تشکیلات آن، همه قرارومدارها و سرانجام روش کار سردبیر.

در پاسخ به آن سوالهای مقدر باید بگویم که من نه مهندس حسابداری هستم و نه حتی تکنیسین حرفه. اما حوزه ویرایش در ماهنامه حسابدار، چارچوب ورق بزنید



بالاخره به صدمین شماره رسیدیم.

دکتر مهدی تقوی (مدیر مسئول)

بالاخره به صدمین شماره رسیدیم با جان‌سختی. انگار همین دیروز بود که در تدارک شماره اول بودیم. با امکانات کم، یک‌تنه سنگ بزرگ برداشتن کمر آدم را می‌شکند. خدا را شکر که بالاخره با کمک دوستان و وزارت ارشاد در این وانفسای بی‌کاغذی و کم‌فراغتی و بی‌حوصلگی صدمین شماره هم درآمد. برای یک مجله تخصصی این موفقیت خیلی کوچکی نیست. خستگی را نامه‌های پرمحبت خوانندگان به‌در می‌کند و اظهار لطف دوستان مشکلات را ساده می‌گرداند. امیدواریم که در این سالها «آب در هاون نکوبیده باشیم» و حسابدار، گهگاه چیزی، هرچند اندک به‌خوانندگان آموخته باشد و توجه آنها را به‌نکته‌ای جلب کرده باشد. از حمایت‌های همه دوستان که بدون آن، انتشار حسابدار ممکن نمی‌شد سپاسگزاریم.

فنی دارد. بار ویرایش تخصصی یکسره بر شانه‌های ظریف اما توانای مردی است با جثه‌ای شکننده، سیمایی روشن و خندان و روحی بزرگ و فروتن به نام محمد شلیله. بیش از این نمی‌گویم چون می‌دانم او چنان مردی است که ستایش از خود را بر نمی‌تابد؛ دریادل است اما احتمال نازکدل هم، و شاید خوشایندش نباشد.

باری، گفتم نه مهندس و نه تکنیسین حسابداری، اما بکلی از این دنیا بیگانه هم نیستم؛ روزی از سر کوچه حسابداری رد شده‌ام بی‌اینکه بتوانم بنشینم و تخته‌پوستی بیندازم و اقلاً زیر نعلین خودم میخی بزنم...

در نوجوانی با ریاضیات میانه‌ای نداشتم و در مدرسه اکتفا می‌کردم به اینکه گلیم خود را از آب به‌در کشم. اگر بگویم روش تعلیم و تربیت نادرست و اخم و تخم دبیرها و خشکی رفتار و سختگیریهای غالباً بیجا و سستی آنها از این دنیا فراریم داد می‌ترسم پایم به‌ورطه مباحث جدی روانشناسی آموزش و پرورش کشیده شود. در ضمن آنچه باید بشود هم شده و دیگر از من یکی گذشته، نوجوانان امروز هم اگر شکایتی دارند بروند مدافعان تازه‌نفسی پیدا کنند.

باری، با همه این بیگانگی، روزی که یک مسئله جبر را روی کاغذهای کاهی کتابچه چرکنویس حل کردم و بیخیال انقدر پیش رفتم تا به جواب مسئله که یادم می‌آید ه بود رسیدم، احساس شادی و سبکی کردم؛ انگار کشف بزرگی کرده بودم. اعتماد و اطمینان بی‌سابقه‌ای به خودم پیدا کردم و همین باعث شد که جبر و هندسه دیگر برایم غول بی‌شاخ و دم نباشد و بتوانم نمره قابل قبولی بگیرم.

سالها بعد، در شرایطی که تصور روشنی از حسابداری نداشتم و راستش آن را کار کم‌اجر و قریبی از لوازم تجارتخانه‌ها می‌دانستم و بس، ناگهان اول سال تحصیلی در جزو برنامه دروس کلاس سوم

اقتصاد دانشکده حقوق عنوان حسابداری را دیدم. اصلاً خوشحال نشدم، اما فهمیدم با کاری جدی سروکار دارم. افتخار شاگردی دکتر فضل‌الله اکبری را پیدا کردم. گویا اولین سال تدریسش در دانشکده حقوق بود. پیش از آن در مؤسسه علوم اداری و بازرگانی (بعدها دانشکده) درس می‌داد. شاید رئیس آنجا هم شد. در همان جلسه اول با روش متین و آرام و عمیق خود مفهوم اولیه‌ای از اهمیت و جایگاه حسابداری یادمان داد: حسابداری فقط دو ستون بدهکار و بستانکار و تراز شدن اقلام در پایین و دوخط موازی زیر آنها کشیدن نیست، هرچند که اساسش همین است. فهمیدم که حسابداری تیرک خیمه شرکتهاست و از یک دکان بقالی تا کمپانی عظیم جنرال موتورز، برای اطلاع از وضع مالی خود، کارنامه دادوستد خود، برنامه‌ریزی آینده خود، گسترش کار خود، و خلاصه برای زندگی مالی و اقتصادی خود محتاج و وابسته به حسابداریند. آن حساب سیاق پدران ما هم به هر حال نوعی حسابداری بود.

سال چهارم هم حسابداری داشتیم، این بار با دکتر جوراچی، همچنان از مکتب مؤسسه علوم اداری و بازرگانی که جوانانی متفاوت با استادان دانشکده حقوق در هیئت علمی آن جا داشتند، همه تحصیلکرده‌های امریکا - که آن روزگار خیلی زیاد نبودند - با پوشاکی دیگرگون، کراواتهایی متفاوت و رفتار و منشی جداگانه، و حتی بعضیشان با تله‌هجه‌ای که حروف دال و ت را غیر از ما تلفظ می‌کردند.

تکلیفهای حسابداری و تهیه ترازنامه و صورت‌حساب سود و زیان شرکتهای فرضی داشت به‌اندازه تکلیفهای جبر و هندسه برایم ملال‌آور می‌شد که وقتی برای اولین بار یک ترازنامه را درست تنظیم کردم و بدهکار و بستانکار مساوی درآمد و زیرشان دو تا خط کشیدم و حساب را بستم، حالتی شبیه

همان حال حل مسئله جبر و رسیدن به جواب « را پیدا کردم، اما باز فقط در حدی اعتماد به نفس در من ایجاد شد که بتوانم نمره قبولی بگیرم. با آنکه اهمیت علمی و کاربردی حسابداری در حیات اقتصادی را فهمیدم و با آنکه چشمم به ابعاد غول‌آسای این علم در امریکا و اروپا آشنا شد، باز نتوانستم تمایلی به عمل به حسابداری پیدا کنم. یک پیشداوری غیرعلمی از مقوله آنچه به ریاضیات داشتم نسبت به حسابداری هم داشتم، اما دیگر نه کودکانه و هراس‌آمیز، بلکه فقط به عنوان مقوله‌ای بسیار جدی و بسیار مهم از قبیل مثلاً فیزیک کوانتم، که آدم باید خیلی جدی و خیلی مهم باشد تا بتواند به آن بپردازد. حال آنکه من نه اصلاً جدی بودم و نه مهم. در روزگار جوانی حتی کارهای بسیار غیرجدی هم می‌کردم، از قبیل نواختن سازدهنی و لطیفه‌نویسی و ترانه‌سرایی. فکر می‌کردم کسی که سازدهنی بزند و لطیفه بنویسد و ترانه بسراید هیچوقت دنیای یگانه‌ای با حسابداری ندارد.

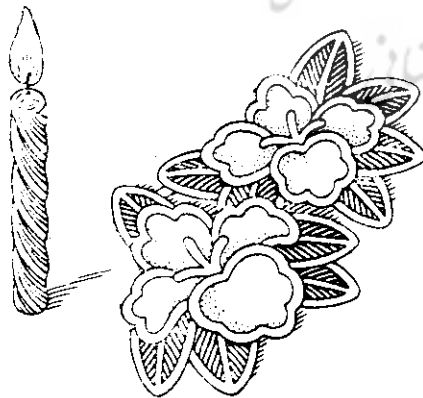
گویا قرار بود که من تجربه‌ها و شناخت‌های مربوط به دنیای حسابداری را خیلی دیر به دیر به دست آورم؛ به طوری که وقتی با یک موسیقیدان بزرگ حسابدار - زنده‌یاد منوچهر جهانگیرلو - و یک شاعر حساس و نازکدل حسابدار - یدالله رویایی - آشنا شدم دیگر کار از کار گذشته و راه و روش زندگی دیرگاهی بود انتخاب و معلوم شده بود. فایده این شناختها، فقط تصحیح بینش و نظر من نسبت به تمامی دنیای حسابداری بود. چنین بود که وقتی با گردانندگان ماهنامه حسابدار آشنا شدم و با بعضیها بیشتر و نزدیکتر، (دیگر اسم نمی‌برم) از وجود این همه ظرافت و مردمخویی و انساندوستی هیچ شگفتزده نشدم، حتی فکر کردم که علت این همه درستی و دقت و پابندی به اصول و... را کشف کرده‌ام، باید آن را در انضباط علمی حسابداری و مبنا و جوهر آن که بر دقت و صحت مطلق استوار است

جستجو کرد.

الان هم حسابداری برای من به اندازه تصویری که در جوانی داشتم جدی و علمی و مهم است، اما خشک و بیگانه و دور از دسترس نیست، شریف و انسانی است، وسیله و ابزاری در دست اهل عمل نیست، بلکه مسلک و مکتبی است که «اهل» را تا حد «سالک» رهنمون می‌شود. مشعل و چراغی است در دست چراغدارانی که راه را روشن می‌کنند. ما هم در پرتو این مشعل راه خود را می‌رویم بی آنکه خود چراغدار باشیم. و به همین راضی و خشنودیم.

اکنون می‌فهمم که چرا می‌توانم مقاله‌هایی به این طول و تفصیل (دست‌نویس‌هایی گاه بیش از صد صفحه و به طور متوسط ۵۰ - ۶۰ صفحه) را بخوانم، در یکایک واژه‌ها و جمله‌ها و نقطه‌گذاری‌های آنها دقت کنم، پس و پیش کنم، سبک سنگین کنم و در آراستن و پیراستنشان بکوشم بی اینکه احساس بیگانگی کنم.

با این تفصیل آیا باز هم باید حضور خودم را در جمع حسابدار وصله ناجور بدانم؟



ورق بزنید



چند کلمه برای صدمین شماره

مجید میراسکندری (مدیر اجرایی)

شروع کار من با حسابدار از سال دوم انتشار (سال ۶۴) با تهیه اخبار کوتاه اقتصادی و بعد هم البته کمک در تهیه مطالب «گوناگون» سری دوم بود (سری اول آنرا آقای کاشفی پور تهیه می‌کرد) ولی کار جدی من از شماره ۲۸ شروع شد و دیگر قطع نشد، موضوع آنرا هم هیچوقت فراموش نمی‌کنم. در شماره ۲۶ حسابدار، آقای جواهری مطلبی بسیار فنی و جالب داشتند که در آن نتیجه می‌گرفتند مالیات اندوخته (طبق قانون مالیاتهای سال ۱۳۴۵ که در آن زمان اجرا می‌شد)، مالیات مضاعف است. در این خصوص با استاد اختلاف نظر داشتم ولی برایم خیلی مشکل بود موضوع را مطرح کنم، ایشان رئیس شورای عالی انجمن و رئیس کمیته انتشارات بودند و من در آن زمان حتی عضو کمیته انتشارات هم نبودم. موضوع را به نحوی با آقای محمود قدس (از اعضای قدیمی شورای عالی و کمیته انتشارات) که به علت همکاری در آن زمان با ایشان تماس بیشتری داشتم مطرح کردم. ایشان خیلی مرا تشویق کردند و گفتند حتماً در

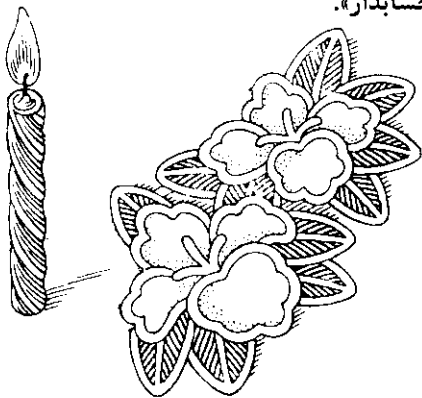
این مورد چیزی بنویس؛ آقای جواهری نه تنها ناراحت نمی‌شوند بلکه خیلی هم خوشحال می‌شوند. خلاصه در شماره ۲۸ نظر خود را مطرح کردم و همان طور شد که آقای قدس گفته بودند.

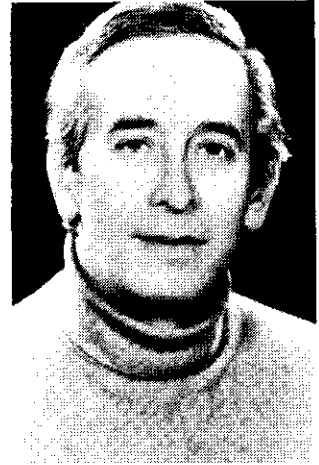
بعضی‌ها می‌گویند «قلم» تو شیرین است و بعضی می‌گویند نیشدار است. امیدوارم برای دوستان شیرین و برای غیر دوستان نیشدار باشد.

به نظر حقیر یکی از بهترین قلمهایی که برای «حسابدار» نوشته است، قلم آقای غلامرضا سلامی است؛ من از اولین شماره‌های حسابدار سبک روان و طنزآلود ایشان را دوست داشتم و همیشه می‌خواستم آن طور بنویسم. تا حالا که نتوانسته‌ام.

ناگفته نماند که نقش من در «حسابدار» بیشتر اداره امور اجرایی است تا امور نوشتاری! ولی اگر زمانی به زور و با هزار بدبختی چیزی نوشته‌ام، دوستان با بزرگواری آنرا برای چاپ قبول کرده‌اند.

سخن گفتن درباره «حسابدار» را نمی‌توانم بدون ذکر نام دکتر تقوی به پایان ببرم. به جرأت می‌توانم بگویم کمیته انتشارات و هیئت تحریریه «حسابدار» تا آنجا که بخاطر دارم، حول محور صفا و صمیمیت او شکل گرفته است، باینکه بیشتر اقتصاددان است تا «حسابدار».





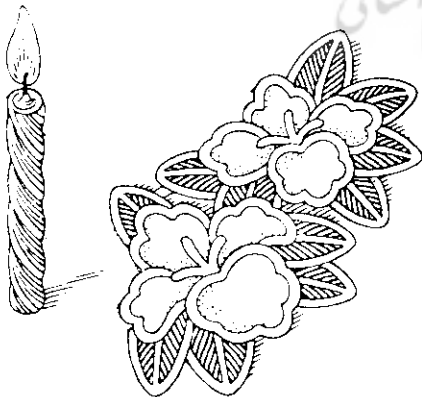
دیروقتی است که با اشتیاق بسیار در مجله «حسابدار» کار می‌کنم.

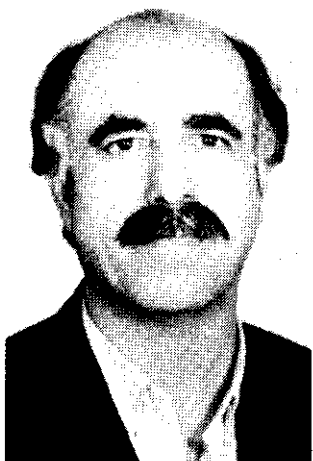
پرویز خوانساری (طراح ماهنامه)

تنظیم و آرایش یک نشریه نه تنها از محتوای آن جدا نیست بلکه باید ارتباط فشرده‌ای هم با آن داشته باشد. هرگز نمی‌شود یک مجله تخصصی پزشکی را مانند یک مجله ورزشی تنظیم کرد. روح حاکم بر مطالب و محتوای نشریه، بر تنظیم آن هم بسیار حکومت می‌کند. من از سال ۱۳۴۲، درست سی سال پیش به کار مطبوعاتی مشغولم. زمینه کارم در اصل نقاشی بود. شاگرد استاد محسن دولوکاریکاتوریست بودم و از ایشان بسیار آموختم. و از همین راه جاذبه مطبوعات مرا به خود کشید. سالها با مؤسسه کیهان همکاری داشتم. در هر کجا، سعی می‌کردم و می‌کنم که فضا و روح حاکم بر محتوای مجله را درک کنم و طرح کلی تنظیم و آرایش صفحات را برآن اساس قرار دهم.

دیروقتی است که با اشتیاق بسیار در مجله «حسابدار» کار می‌کنم. برای بعضی از همکاران و دوستان قدیم کم‌وبیش این سوال یا شاید شگفتی

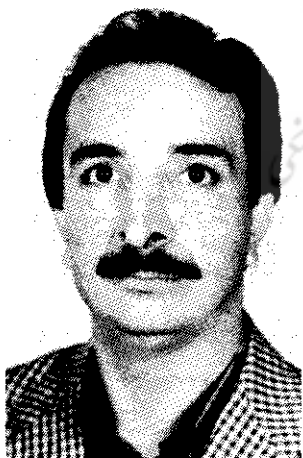
پیش آمده که ماهنامه «حسابدار» چرا؟ اما حقیقت این است که مطبوعات همگی در یک هدف کلی مشترک و همسانند و آن ایجاد رابطه با جامعه و انتقال یک مقدار اطلاعات و آگاهیها به مردم است. من در هر نشریه، با هر محتوایی که باشم با این بخش از رسالت مطبوعات سروکار دارم و خود و تجربه‌ها و دانسته‌های خود را در اختیار آن قرار می‌دهم و سعی می‌کنم در مورد نشریه‌هایی که محتوای جدیتری دارند، مانند «حسابدار»، آرایش و تنظیم صفحات به گونه‌ای باشد که برخورد با مطالب را مطبوع و شیرین بسازد. از نزدیک شاهد تلاشهای بی‌امان هیئت تحریریه هستم و می‌کوشم که حاصل این تلاشها را به شکلی درخور عرضه کنم. در جامعه ما پرداختن و اظهارنظر درباره کار گرافیکی و تنظیم نشریات چندان رایج نیست ولی از خوانندگان «حسابدار» که طبقه برگزیده‌ای شمرده می‌شوند این انتظار هست که در این باره هم اظهارنظر کنند، قطعاً نظریات آنها سازنده و مهم خواهد بود.





امتیاز مجله حسابدار در این است
که از مدیران، ویراستار و طراح
با تجربه برخوردار است.

یعقوب حسینی قزوینی (مدیر چاپ و صحافی سرو)



به نظرم «حسابدار» مجله وزین و
باارزشی است.

زین العابدین اکبرزاده (مدیرلیتوگرافی صحیفه‌نور)

نمی‌دانم چرا بیشتر حسابداران
خشک و محتاط و اخمو جلوه
می‌نمایند.

منیژه نفیسی (مسئول امور اداری)

زمانی در انجمن کلاسی دایر شده بود که یکی از استادان آن مرحوم سجادی نژاد و کمک استاد آن یکی از اعضای تقریباً جوان انجمن بود. استاد جوان با آنکه درصدد ارائه چهره‌ای حسابدارانه (بزعم من، اخم‌آلود و خشک) بود ولی در صحبتی نه‌چندان طولانی، معلوم شد که یکی از استادان تار ایران است. بعدها که سابقه‌ام در انجمن زیادتر شد فهمیدم که بسیاری از حسابداران در قلمرو هنر (موسیقی - شعر - خط - نقاشی) هم مانند حسابداری، کارشناسان و دست‌اندرکاران خبره‌ای هستند، ولی هنوز هم نمی‌دانم چرا و به چه دلیل بیشتر حسابداران خشک و محتاط و اخمو جلوه می‌نمایند. اعتقاد بزرگان این است که نیم بیشتر شخصیت هر فرد را شغل او می‌سازد.

از نظر من کاری ارزشمند است که
انسان به آن عشق بورزد.

سوسن خامنه‌ای (سرپرست حروفچینی خامنه‌ای)

از نظر من کاری دارای ارزش است که انسان به آن عشق بورزد، کار من نیز چنین است چرا که بر معلومات من می‌افزاید و در این رابطه برخی کارها علاوه بر کارآیی اطلاعاتی که دارند، از کارکنان محترمی نیز برخوردارند و از این رو صرف نظر از جنبه اطلاعاتی مجله حسابدار، دست‌اندرکاران آن مجله برایم ارزشمند و قابل احترامند.

استاد ما آقای عبدالعلی شریفی تکیه کلامی دارد که کسی می‌تواند استاد شود که همیشه شاگردی کند؟! گفته استاد بجا و کاملاً صحیح است زیرا هر روز پدیده جدیدی در هر صنعت به وجود می‌آید و روز بروز، حرکت به سوی پیشرفت است. اشاره می‌کنم به سابقه کار خود به سال ۱۳۳۳ با تحصیلات ابتدایی که داشتم در چاپخانه اطلاعات کار را شروع کردم و بعد در چاپخانه کیهان و دو چاپخانه دیگر. که در آن زمان همگی معروف بودند و همه نوع سفارشات چاپ مجله و کتاب پوستر و غیره رنگی و سیاه سفید انجام می‌دادند.

در سال ۵۹ چاپ سرو را به راه انداختیم و با مجله حسابدار مدتی است که همکاری داریم. به نظر من یکی از مهمترین کارها در هر صنعت

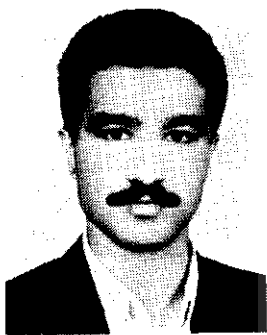
شناخت و پیاده کردن روش فنی و صحیح هرکاری است. صنعت چاپ هم از این قاعده جدا نیست. امتیاز مجله حسابدار در این است که مدیران و ویراستار و طراح با تجربه در اختیار دارد. کارشناسان مجله توجه دارند که چه نوع کاغذ و چه نوع حروفچینی و نوع حروف و عکس به کار برند که باهم هماهنگی داشته باشد، تا چاپخانه هم بتواند کار مورد قبول انجام دهد. مجله حسابدار این امتیاز را داراست. و با هزینه بالا منتشر می‌شود. من که در جشن صدمین شماره مجله شرکت کردم از طرف خود و کلیه کارگران که در انتشار مجله ارزشمند حسابدار همکاری دارند جشن صدمین شماره مجله را به همه تبریک عرض می‌کنم. امیدوارم همه ما برای پربار شدن مجله بیش از پیش کوشا باشیم.

چاپ آن را ضمیمه. مجله در این سه سال از این نظر، بسیار بهتر شده. شکل و شمایل مجله (از روی جلد تا صفحه آخر و آگهی‌ها) همگی نشان از یک مجله با هویت حسابداری دارد.

به نظرم دو شماره‌ای شدن مجله که به ناچار به جای ماهنامه، اغلب هر دو ماه منتشر می‌شود چندان مطلوب نیست و به عنوان «ماهنامه» اش ضرر می‌زند. هر چند مطالب و صفحات هر شماره بیشتر باشد. فکر می‌کنم یا مجله می‌باید ماهنامه باشد یا صفحات کمتر اما هر ماه منتشر شود و یا فصلنامه شود با صفحات و مطالب مفصلتر. بنده از صفحه «ماجراهای بنده» خوشم می‌آید. کاش همیشگی شود.

این بنده اهل چاپم و لیتوگرافی، و طبیعتاً نمی‌توانم درباره یک نشریه تخصصی حسابداری نظر جدی بدهم. اما از آنجا که سه سال است لیتوگرافی مجله «حسابدار» را برعهده دارم، تا اندازه‌ای با آن آشنا شده‌ام، به نظرم حسابدار، مجله وزین و باارزشی است. مجله‌ای است که در طی ۹ سال، با نزدیک صد شماره نشان داده است که برخلاف اکثر نشریات هفتگی، ماهنامه، فصلنامه، مخاطب خاص خود را می‌شناسد و برای آنان می‌نویسد و پاسخگوی بسیاری از نیازهای اطلاعاتی و نظری آنان است. مجله‌ای است که به نوعی، کتابدستی هر حسابدار ایرانی است. چرا که بازتاب دیدگاهها و نظریات همه آنهاست. شخصاً از کیفیت حروفچینی، لیتوگرافی، کاغذ و

خود دریابم به تدریج تحولی در من ایجاد شده که امروز پس از سه سال کار با مجله «حسابدار» انس بیشتری با حساب و کتاب در زندگی پیدا کرده‌ام که این خود می‌تواند یکی از شیرینترین ثمرات همکاری من با «حسابدار» باشد.



زمانی که به جمع همکاران «حسابدار» پیوستم....

سعید جعفری (مسئول امور اجرایی سردبیری)

زمانی که به حسابدار پیوستم با حسابداری آشنایی نداشتم و اگر مثل بعضی مصاحبه‌های شماره قبل درباره آن از من سؤال می‌شد ممکن بود نتوانم جواب درستی بدهم. اما رفته‌رفته هم با محیط و هم با محتوا و موضوع مطالب مجله خو گرفتم و الان برایم به‌صورت فضا و محیط و مسئله آشنایی درآمده است؛ اکنون می‌دانم حسابداری چه اهمیت و نقشی در جریان گردش کارهای شرکتها و به‌طور کلی تمامی کشور دارد. ولی از این گذشته، مسئله مهم دیگر آشنایی نزدیک من با مراحل تهیه مقالات و دشواریها و سختیهای است که گردانندگان و تنظیم‌کنندگان مجله در هر شماره با آنها روبرو هستند.



ثمره همکاری من با حسابدار

مهدی میرزائی (عکاس)

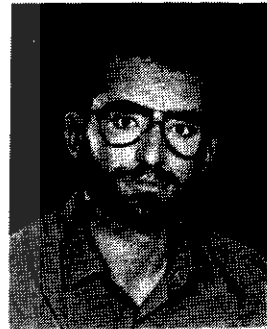
سه سال پیش بود که دوستی از من خواست برای مجله «حسابدار» عکس بگیرم. او خود از همکاران مجله بود و برای من کار با این دوست موهبت و افتخاری بزرگ محسوب می‌شد، اما وقتی که شنیدم مجله حسابدار متعلق به «انجمن حسابداران خیره ایران» است، کمی به فکر فرو رفتم. در ابتدا فکر می‌کردم که کار با چنین نشریه‌ای باید مشکل باشد، زیرا با اشخاصی سروکار خواهم داشت که همه اهل حساب و کتاب دقیق هستند در حالی که من هیچگاه با حساب و کتاب سختگیرانه مأنوس نبوده‌ام.

همکاران مستقیم من در ابتدای کار آقایان «میراسکندری» و «شليله» بودند و بعدها که با روش کار مجله و نیز با همکاران و استادان دیگر آشنا شدم، دریافتم که برداشت اولیه من از حسابداری و حساب و کتاب، چندان با واقعیت سازگار نبوده است. زیرا این برداشت براساس برخوردهای من با حسابداران در شکل و قالب اداری ایجاد شده بود و آنان کارشان ایجاب می‌کرد که در برابر مسائل مختلف دقیقتر و جدی‌تر از دیگران باشند.

در جریان همکاری با «حسابدار» بسیاری از اوقات ملزم به حضور در سمینارها و مباحث فنی مربوط به حسابداری شده و به این ترتیب ناخودآگاه در کوران بحثهای کارشناسان قرار گرفته‌ام و بی‌آنکه

گرچه سهم من سهم کوچکی است، اما تلاشهای سردبیر و دیگر کارکنان را می‌بینم و می‌فهمم که یک شماره حسابدار تا حسابدار شود و به روزنامه‌فروشی برسد، چقدر گرفتاری دارد و همین امر مرا بیشتر به اهمیت مسئله حسابداری معتقد می‌کند.

محیط حسابدار و آشنایی با آن مرا تشویق کرد که به فراگیری آن بپردازم و در این مورد کارهایی هم کردم، دوره‌ای دیدم و آرزو دارم بتوانم آن را دنبال کنم و از فاصله نزدیکتری به ماهنامه خودمان نگاه کنم و از آنچه هستم، برای ماهنامه حسابدار مفیدتر باشم.



ماهنامه حسابدار نباید آن گروه از مخاطبان خود را که آگاهیهای علمی درخور توجهی ندارند فراموش کند.

اسماعیل اسدلو (نماینده فروش ماهنامه در خوی)

بی‌تردید انتشار هر نشریه‌ای به صورت اصولی، در باروری فرهنگی و علمی مخاطبانش تأثیر بسزایی دارد. «حسابدار» نشریه‌ای است علمی و تخصصی و نه در ضمن کاربردی و لابد به صورت فنی و پیچیده و نه

در سطح فهم عامه منتشر می‌شود. یکی از اسرار مانایی شاهکارهای ادبی و فرهنگی دنیا در ساده بودن آنهاست. نباید فراموش کرد که معدودی از مخاطبان نشریه حسابدار را افرادی تشکیل می‌دهند که در ادارات و نهادهای جزء فعالیت دارند و صرف‌نظر از تجارب سودمند و مفید، از پایگاه علمی بسنده برای استفاده از نشریه «حسابدار» بی‌بهره‌اند و نیز به دلیل سیاق تخصصی «حسابدار» نمی‌توانند آن‌گونه که باید و شاید از این نشریه استفاده لازم را بنمایند. لذا برای ارج نهادن به تلاش این عزیزان پرکار که در دواير حسابداری مشغولند، لازم است با تهیه مطالبی در زمینه‌های مختلف به این قشر پرداخته شود و شاید این امر یکی از راههای ترغیب مخاطبان به مطالعه این نشریه سودمند باشد. و اما در پیرامون کیفیت انتشار «حسابدار» باید خالصانه از دست‌اندرکاران نشریه تقدیر و تشکر شود که هم از ویرایش سنجیده تخصصی و ادبی برخوردار است و هم از طراحی و صفحه‌آرایی درخور و مناسب و در یک کلمه به صورت خیلی «زیبا و اصولی» منتشر می‌شود. و باید به دست‌اندرکاران «دست‌مریزاد» تقدیم کرد.

در ضمن تلاش کم‌نظیر آقایان محمد شلیله و مسعود یارندی و همکاران ایشان را در تهیه رساله تحقیقی و بسیار ارزشمند «آسیب‌شناسی حرفه حسابداری ایران ضمیمه شماره ۹۷ - ۹۸» ارج می‌نهم و قدردانی می‌نمایم که بی‌اغراق با دقتی وافر و اصولی و ساده و به صورت مرجع ارائه شده است.

